

تقاضای معجزه

¹آنگاه فریسیان و صدّوقیان نزد او آمده، از روی امتحان از وی خواستند که آیتی آسمانی برای ایشان ظاهر سازد.² ایشان را جواب داد که: در وقت عصر می‌گویید: هوا خوش خواهد بود، زیرا آسمان سرخ است؛³ و صبحگاهان می‌گویید: امروز هوا بد خواهد شد، زیرا که آسمان سرخ و گرفته است. ای ریاکاران، می‌دانید صورت آسمان را تمیز دهید، اما علامات زمانها را نمی‌توانید؟⁴ فرقه شریر زناکار، آیتی می‌طلبند و آیتی بدیشان عطا نخواهد شد جز آیت یونس نبی. پس ایشان را رها کرده، روانه شد.

خمیرمایه صدوقیان و فریسیان

⁵و شاگردانش چون بدان طرف می‌رفتند، فراموش کردند که نان بردارند.⁶ عیسی ایشان را گفت: آگاه باشید که از خمیرمایه فریسیان و صدوقیان احتیاط کنید!⁷ پس ایشان در خود تفکر نموده، گفتند: از آن است که نان برداشته‌ایم.⁸ عیسی این را درک نموده، بدیشان گفت: ای سست ایمانان، چرا در خود تفکر می‌کنید از آن جهت که نان نیاورده‌اید؟⁹ آیا هنوز نفهمیده و یاد نیاورده‌اید آن پنج نان و پنج هزار نفر و چند سبدی را که برداشتید؟¹⁰ و نه آن هفت نان و چهار هزار نفر و چند زنبیلی را که برداشتید؟¹¹ پس چرا نفهمیدید که درباره نان شما را نگفتم که از خمیرمایه فریسیان و صدّوقیان احتیاط کنید؟¹² آنگاه دریافتند که نه از خمیرمایه نان، بلکه از تعلیم فریسیان و صدّوقیان حکم به احتیاط فرموده است.

مسیح، پسر خدای زنده

¹³و هنگامی که عیسی به نواحی قیصریه فیلیس آمد، از شاگردان خود پرسیده، گفت: مردم مرا که پسر انسانم چه شخص می‌گویند؟¹⁴ گفتند: بعضی یحیی تعمیددهنده و بعضی الیاس و بعضی ارمیا یا یکی از انبیا.¹⁵ ایشان را گفت: شما مرا که می‌دانید؟¹⁶ شمعون پطرس در جواب گفت که: تویی مسیح، پسر خدای

زنده!¹⁷ عیسی در جواب وی گفت: خوشبختال تو، ای شمعون بن یونا! زیرا جسم و خون این را بر تو کشف نکرده، بلکه پدر من که در آسمان است.¹⁸ و من نیز تو را می‌گویم که: تویی پطرس، و بر این صخره کلیسای خود را بنا می‌کنم و ابواب جهنم بر آن استیلا نخواهد یافت.¹⁹ و کلیدهای ملکوت آسمان را به تو می‌سپارم؛ و آنچه بر زمین ببندی در آسمان بسته گردد و آنچه در زمین گشایی در آسمان گشاده شود.²⁰ آنگاه شاگردان خود را قدغن فرمود که به هیچ کس نگویند که او عیسی مسیح است.

اولین پیشگویی درباره مرگ و قیام عیسی

²¹و از آن زمان عیسی به شاگردان خود خبردادن آغاز کرد که رفتن او به اورشلیم و زحمت بسیار کشیدن از مشایخ و رؤسای کهنه و کاتبان و کشته شدن و در روز سوم برخاستن ضروری است.²² و پطرس او را گرفته، شروع کرد به منع نمودن و گفت: حاشا از تو، ای خداوند، که این بر تو هرگز واقع نخواهد شد!²³ اما او برگشته، پطرس را گفت: دور شو از من، ای شیطان، زیرا که باعث لغزش من می‌باشی، زیرا نه امور الهی را، بلکه امور انسانی را تفکر می‌کنی!

جان‌بینی و انکار

²⁴آنگاه عیسی به شاگردان خود گفت: اگر کسی خواهد متابعت من کند، باید خود را انکار کرده و صلیب خود برداشته، از عقب من آید.²⁵ زیرا هر کس بخواهد جان خود را برهاند، آن را هلاک سازد؛ اما هر که جان خود را بخاطر من هلاک کند، آن را دریابد.²⁶ زیرا شخص را چه سود دارد که تمام دنیا را ببرد و جان خود را ببازد؟ یا اینکه آدمی چه چیز را فدای جان خود خواهد ساخت؟²⁷ زیرا که پسر انسان خواهد آمد در جلال پدر خویش به اتفاق ملائکه خود و در آن وقت هر کسی را موافق اعمالش جزا خواهد داد.²⁸ هرآینه به شما می‌گویم که: بعضی در اینجا حاضرند که تا پسر انسان را نبینند که در ملکوت خود می‌آید، ذائقه موت را نخواهند چشید.